

قضاوت در اسلام

قسمت شانزدهم

حجت الاسلام و المسلمین عباسعلی علیزاده

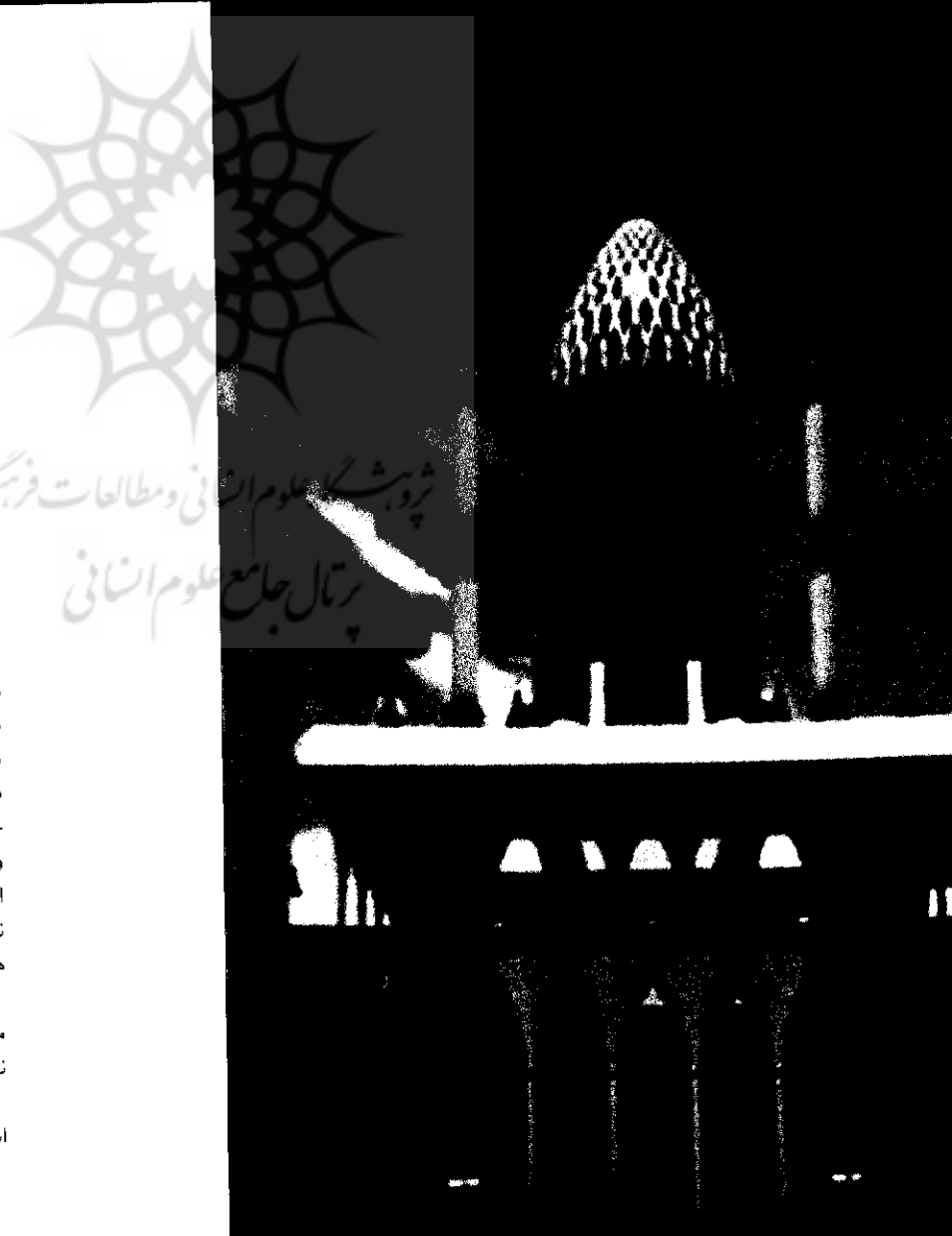
قاعده لاضرر - بخش اول

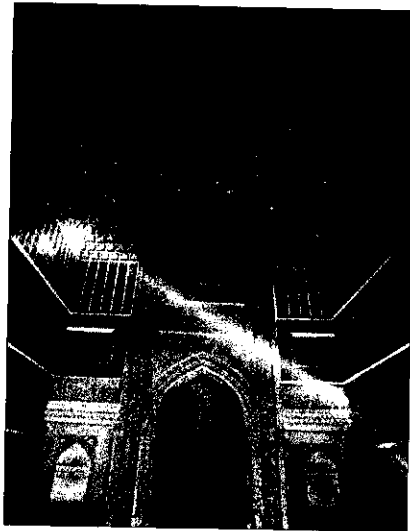
یکی از قواعد فقهی که جمیع فقها در جای خودش حسب مورد به آن استناد کرده‌اند قاعده فقهی لاضرر است.

اگرچه در بدو امر در قضیه خاص (سمره بن جندب) از رسول گرامی اسلام وارد شده ولی این قاعده به قدری وسعت شمول دارد که در میان فقهاء عظام قدیماً و حدیثاً به عنوان یک قاعده مسلم کاربرد وسیعی دارد. شأن صدور قاعده فقهی فوق به شرح ذیل است.

این حدیث شریف را مشایخ ثلاثه (محمد بن یعقوب کلینی، شیخ طوسی، شیخ صدوق) آن را به طرف عدیده روایت کرده‌اند. مرحوم کلینی در کافی چنین بیان می‌کند که زراره از حضرت ابی جعفر (ع) روایت می‌کند که سمره بن جندب درخت خرمایی در زمینی داشت که راه آن از منزل مردی از انصار بود. هنگامی که برای بهره برداری یا دیدن درخت می‌رفت سرزده و بدون اطلاع وارد منزل انصاری شده و عبور می‌کرد. انصاری به او گفت تو هر وقت می‌خواهی جهت استفاده از درخت از اینجا عبور کنی ناگهان و بدون اطلاع بر ما وارد می‌شوی «چون اینجا منزل است و زن و بچه‌ها در حالتی خاص هستند مایل نیستم کسی در این حالت بر ما وارد شود» پس از این هر موقع خواستی وارد منزل شوی اخبار و اطلاع بده. سمره گفت من از راه خود به سوی درخت خودم می‌روم! چرا اجازه بگیرم؟، در این کار از کسی اجازه نخواهم گرفت.

مرد انصاری شکایت سمره را خدمت رسول گرامی اسلام برد. حضرت رسول اکرم (ص) سمره را احضار





فرمود و به او گفت فلان مرد انصاری از تو شکایت دارد و شکایتش این است که تو سرزده بدون اطلاع و اختیار وارد خانه او می شوی. پس از این هنگام ورود به منزل مرد انصاری استیذان کن. سمره عرض کرد یا رسول الله من از راه خودم به سوی درخت خود می روم چرا از او اذن بگیرم، این کار را انجام نخواهم کرد. رسول اکرم (ص) فرمودند: حالا که حاضر به اجازه گرفتن نیستی بهتر است که آن درخت را واگذار کنی و به جای آن درخت خرمای دیگری در مکان دیگری بگیری.

سمره قبول نکرد و گفت حاضر به این کار نیستیم. خلاصه پیغمبر اکرم فرمودند شما این درخت خرما را واگذار کن و به جای آن ده درخت بگیر، باز هم سمره پذیرفت. آنگاه پیغمبر بزرگ اسلام فرمود این درخت را به مرد انصار واگذار نما به جای آن یک درخت خرما در بهشت برای تو تضمین می کنم باز هم سمره قبول نکرد. آنگاه رسول اکرم (ص) به او خطاب کرد: «انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی المومن»: تو مردی سخت گیر هستی و نباید کسی به کسی (یا به مؤمن در بعضی از روایات در اسلام) زیان رسانده و یا سخت گیری نماید سپس پیغمبر اسلام (ص) امر فرمود آن درخت را از ریشه کنده و نزد او بیاوردند؛ (اذهب فاقلعها و ارم بها الیه).

جمله مذکور در غیر مورد فوق هم آمده از جمله در کتاب وسائل الشیعه باب ۷ از ابواب احیاء موات ضمن نقل پاره‌ای از قضاوت‌های حضرت رسول اکرم (ص)... و قضی بین اهل البادیه، انه لا یمنع فضل ماء لیمنع فضل کلاء و قال لا ضرر و لا ضرار. همچنین در کتاب وسائل در ابواب شفعه در ضمن نقل بعضی از قضاوت‌های دیگر پیغمبر بزرگ اسلام روایت شده قال (ص) لا ضرر و لا ضرار.

و نیز در کتاب وسائل از ابواب ارث روایتی از ابوالاسود دثلی نقل کرده هنگامی که معاذین جبل در یمن بود عده‌ای نزد او آمدند و گفتند که یک نفر یهودی فوت نموده و برادر مسلمانی از او باقی مانده معاذین جبل گفت از رسول اکرم (ص) شنیدم که فرمود: اسلام هیچ گاه موجب نقضی شخصی نمی شود، بلکه موجب کمال است. بنابراین برادر مسلمان از برادر یهودی ارث می برد. سپس مرحوم صدوق که راوی حدیث است می فرماید، نبی اکرم (ص) فرمود: الاسلام یزید و لا ینقص و فرمود لا ضرر و لا ضرار...

همچنین حدیثی در مستدرک الوسائل کتاب احیاء موات باب نهم از دعائم الاسلام نقل شده از حضرت امام صادق (ع) سؤال شد. دیوار کسی خراب شده و در اثر آن ساتری که میان خانه او و همسایه بود از بین رفت و شخص مذکور حاضر به تجدید بنای دیوارش نیست حضرت فرمود ساختن دیوار در

صورتی بر او واجب است که در اثر حق یا شرطی ملتزم شده باشد و در غیر این صورت بر او واجب نیست و به صاحب منزل دیگر گفته می شود اگر مایلی خودت در زمین خود دیواری بنا نما تا منزلت مستور گردد.

مجدداً از آن حضرت سؤال شد اگر دیوار مذکور خراب نشده باشد بلکه صاحبش به جهت ضرر رساندن به همسایه بدون آنکه برای خودش لزومی داشته باشد بخواهد خراب کن آیا جایز است؟ حضرت فرمودند: وی را از این کار جلوگیری می نمایند. چون رسول گرامی اسلامی فرمود لا ضرر و لا ضرار در این صورت اگر خراب کند به تعمیر و تجدید بنا مجبور می کند.

این جمله «لا ضرر و لا ضرار...» در کتب اهل سنت نیز آمده و مورد قبول آنها نیز می باشد. از جمله احمد بن حنبل در جامع خود جلد پنجم صفحه ۳۲۶ از عباره در ضمن نقل بعضی از قضاوات رسول گرامی اسلام (ص) روایت می کند لا ضرر و لا ضرار. این اثر در کتاب نهایه روایت می کند... و فی الحدیث... لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام.

باتتبع و تحقیق در موارد عدیده برای انسان اطمینان حاصل می شود که این حدیث شریف از پیامبر اکرم (ص) وارد شده و حضرت ایشان و ائمه اطهار علیهم صلوات الله در موارد متعددی فرموده اند به طوری که بعضی از فقهاء عظام از جمله فخر المحققین در کتاب شریف ایضاح ادعای تواتر نموده است. احادیث وارد در این باب بر دو قسم است؛ بعضی‌ها از حیث سند صحیح و دیگر بعضی ضعیف می باشند اما چون ققهای عظام همگی بر طبق این روایات عمل کرده اند لذا این حدیث شریف شهرت عملی یافته است.

کلمه ضرار علاوه از روایات در قرآن کریم در چندین مورد آمده است که مناسب است اشاره‌ای به آنها نیز بشود از جمله در سوره توبه «آیه ۱۰۸» و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تقریفاً بین المؤمنین و ارضاداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و

لیحلمن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون آنهاهی که مسجدی به منظور ناراحت کردن مؤمنان و قوت دادن به کفر و تفرقه افکنی میان مسلمانان (در غزه احد و صفین) برای کسی که با خدا و رسولش نبرد نمود (ابوعامر) بنا کردند (در پاسخ به این که چرا این مسجد را ساختید) سوگند یاد می کنند که ما جز کار نیکو و خیر تصمیم دیگری نداریم ولی خداوند متعال گواهی می دهد ایشان هر آینه دروغگو یانند.

در شأن نزول این آیه چنین نقل شده که دوازده نفر از منافقان از جمله (ثعلبه بن حاطب و ودیعت بن ثابت و غیره) به سفارش ابوعامر راهب در برابر مسجد قبا که بنی عمر و بن عوف ساخته بودند و نبی اکرم (ص) در آن نماز خوانده بودند مسجدی ساختند. ابوعامر راهب که در علم تورات و انجیل مهارتی کامل داشت از اشراف قبیله خزرج بود همیشه نعت و صفت حضرت پیغمبر اکرم (ص) قبل از هجرت برای اهل مدینه بیان می کرد پس از هجرت آن حضرت از مکه به مدینه و پیوستن مردم به دین مبین اسلام و تشرف مردم به خدمت نبی بزرگ اسلام دیگر مردم نزد ابوعامر نمی رفتند. ابوعامر که از این امر سخت ناراحت شده بود به علت حسد رسالت پیغمبر اکرم (ص) را انکار کرد و ایمان نیاورد و پس از غزه احد و صفین در گروه مشرکان با مسلمانان نبرد کرد و از مکه گریخت و پیش هرقل پادشاه روم رفت که لشکری تهیه نموده و به جنگ مسلمانان بیاید، به منافقان محله خود نوشت:

مسجدی بسازید تا هنگامی که من به مدینه آمم در آن مسجد به افاده علوم بپردازم. آنها هم مسجدی ساختند. رسول اکرم (ص) که عازم غزه تبارک بودند منافقان خدمتش عرض کردند مسجدی ساخته ایم تقاضا داریم در آن نماز بگذارید که حضرت پاسخ دادند پس از مراجعت در مسجد شما نماز خواهیم خواند که بعد از مراجعت آیه فوق نازل شده فوراً حضرت به عده‌ای از یاران خود دستور تخریب و احراق آن را صادر فرمودند که بلافاصله تخریب و سوزانده شد.

آیه دیگر «سوره بقره آیه ۲۳۱»: ولا تسکوهن ضراراً لتعدو؛ یعنی هنگامی که همسران خود را طلاق دادید برای رنج دادن و در فشار و تنگی افکندن به آنها رجوع نکنید (که در نتیجه سبب شود مدت عده زیاد شود) و نیز آیه ۶ سوره الطلاق: اسکوهن من حیث سکتکم من وجدکم و لاتضرار و هن لتضیقوا علیهن... یعنی با سکنی دادن در منزل و مکان تنگ زنانی را که طلاق داده‌اید (البته در طلاق رجعی) در رنج و سختی میا فکنید تا بدین جهت مجبور شوند از منزل شما خارج شوند و همچنین جمله و لا یضار کاتب و لا شهید در سوره بقره آیه ۲۸۲ که در قرآن کریم آمده است.